

روسیه اتمی بودن ایران را پذیرفته است

دکتر کیهان برزگر، عضو هیات علمی دانشگاه علوم و تحقیقات و معاون امور بین الملل مرکز مطالعات خاورمیانه در یادداشتی که "خبر" منتشر کرده است ...



دکتر کیهان برزگر، عضو هیات علمی دانشگاه علوم و تحقیقات و معاون امور بین الملل مرکز مطالعات خاورمیانه در یادداشتی که "خبر" منتشر کرده است نوشت:

راه اندازی نیروگاه اتمی بوشهر مشروعیت و صلح آمیز بودن برنامه هسته ای ایران را در سطح افکار عمومی جهانی تقویت می کند و این مسئله دست ایران را در مذاکرات آتی با کشورهای 5+1 بالا می برد. با ورود ایران به کلوپ هسته ای، ماهیت و جهت مذاکرات متفاوت خواهد بود و بیشتر بر محور چگونگی حفظ چرخه مستقل سوخت، تاکید بر تداوم غنی سازی مستقل و اتصال آن بر روند کلی فعالیت های هسته ای ایران قرار می گیرد.

چالش اصلی غرب با ایران این است که ایران راه مستقل غنی سازی اورانیوم را در چارچوب نظم حاکم در NPT پیش می برد و بنوعی سعی دارد تا بین اجزای مختلف چرخه سوخت ارتباط برقرار کند. همین حفظ چرخه مستقل سوخت هسته ای برگ برنده ایران در هر نوع مذاکره هسته ای است. با شرایط جدید حتی چالش های ایران با طرف های مذاکره کننده هسته ای وارد مرحله جدیدی می شود.

اکنون چهار طرف درگیر در برنامه هسته ای ایران وجود دارد. یکی گروه 5+1 که اتحادیه اروپا در راس آن است، طرف دوم امریکاست که رهیافت آن با اتحادیه اروپا تا حدودی متفاوت است گرچه تکمیل کننده یکدیگر هستند، سوم روسیه و چین و چهارم ترکیه و برزیل و سایر کشورهای عضو جنبش غیرمتعهدها..

در میان این چهار طرف درگیر نقطه عطفی در نوع نگاه روسیه و چین نسبت به ایران دیده می شود. با راه اندازی نیروگاه بوشهر روسیه عملاً پذیرفته که ایران اکنون یک کشور اتمی است.

همین نکته باعث می شود که در آینده روسیه برای کسب منافع آتی ناشی از همکاری های هسته ای با ایران بیش از پیش به ایران نزدیک شود. البته روسیه همچنان خواهان تامین انحصاری سوخت هسته ای برای ایران و در آمد های مالی ناشی از آن خواهد بود و لذا با دیگران در سناریوی جدید غرب مبنی بر عدم نیاز ایران به غنی سازی مستقل با راه اندازی نیروگاه بوشهر همراه خواهد شد. اما نیاز روسیه به حفظ تعادل در روابط با غرب نیز همچنان ایران و روسیه را در کنار هم نگه خواهد داشت.

درست است که روسیه در قطع نامه 1929 علیه ایران رای داد اما پس از آن متوجه شد که تعادل در روابط خود با غرب را از دست داده است و بر همین اساس این روزها شاهد بهبود روابط دو کشور هستیم. تصمیم استراتژیک به اینکه سوخت وارد قلب راکتور بوشهر شود همان دیدگاه نخبگان سنتی حاکم در روسیه است که معتقدند باید تعادل در روابط با ایران برای حفظ استراتژیهای مستقل منطقه ای و جهانی روسیه حفظ شود و نباید روسیه برای گسترش روابط با امریکا، ایران را کاملاً کنار بگذارد. بهرحال ایران به روسیه یک کارت استراتژیک می دهد.

در این شرایط فضای سیاسی جدیدی برای افزایش چانه زنی ایران در مذاکرات آتی فراهم می شود. همین امر می تواند شکافی در مواضع طرف های درگیر در مذاکرات هسته ای با ایران ایجاد کند.

دیدگاه چینی ها نیز نسبت به دیگر دیدگاه ها متفاوت است. چین برنامه هسته ای ایران را تهدیدی جدی برای منافع و امنیت ملی خود به شمار نمی آورد و معتقد است که انرژی هسته ای حق ایران است. اما این کشور از آنجا که می خواهد در چارچوب نظم حاکم در دنیا پیش رود، همکاری هایی با طرف های درگیر در برنامه هسته ای ایران نیز دارد. اما مرز حمایت چین از سیاستهای غرب محدود و مشخص است. از این لحاظ، چین تنها از زاویه حفظ منافع خود به مسئله هسته ای ایران می نگرد.

راه اندازی نیروگاه بوشهر و ورود ایران به جمع کشورهای اتمی دیدگاه های موجود حتی در درون اتحادیه اروپا را نیز دچار تغییر و تحول می کند. اکنون چالش اصلی اروپائیان این است که آیا باید با پذیرش واقعیت های موجود بنوعی مشروعیت بین المللی برنامه اتمی ایران را قبول کنند یا اینکه همچنان بر کارساز و نتیجه بخش بودن سیاستهای اشتباه گذشته اشان اصرار داشته باشند. در چنین شرایطی استراتژی مرحله به مرحله ایران یعنی اتصال اجزاء مختلف چرخه مستقل سوخت هسته ای باید در آینده تقویت شود، یعنی به نوعی باید فعالیتهای نیروگاهی مانند نطنز در جهت تکمیل ظرفیت های نیروگاه هسته ای بوشهر تعریف شود و در واقع ایران خود را محدود به روسیه نکند.

اکنون طرف غربی سه سناریو در پیش دارد. اول سناریوی تحریم ها که فاقد کارایی برای تغییر سیاست هسته ای ایران است که به نقطه بدون بازگشت رسیده است. از سوی دیگر، شرایط دنیا عوض شده و تحریم های غرب نمی تواند یک خط واحد در برابر ایران ایجاد کند. همین که یک کشور تحریم ها را دور بزند، ایران به اهداف خود دست یافته است. اکنون روسیه، چین، ترکیه و حتی کره جنوبی که دارای منافع گسترده اقتصادی در ایران هستند اساساً مخالف تحریم های یک جانبه و سخت علیه ایران هستند.

سناریوی دوم وقوع جنگ است. نگاه غالب در غرب این است که حمله هوایی نه تنها برنامه هسته ای ایران را متوقف نمی کند بلکه حتی خطر خروج ایران از NPT و به دنبال آن تسلیحاتی شدن برنامه اتمی ایران را دارد. ضمن اینکه آمریکا و اسرائیل نمی توانند ایران را صرفاً به بهانه غنی سازی اورانیم بمباران کنند. بمباران نیروگاه بوشهر نیز اکنون دیر شده چراکه سوخت وارد راکتور شده و هر نوع حمله تبعات سنگینی برای منطقه و جهان از لحاظ اشاعه تشعشعات اتمی دارد. این مساله نیز خود دست ایران را در مذاکرات آتی هسته ای بالا می برد.

سناریوی سوم گفت و گو با ایران است که تنها راه چاره موجود نیز است. پس زمانی که آمریکا وارد گزینه گفت و گو شود این دست ایران را به طور طبیعی در مذاکرات ماه سپتامبر بالا می برد. راه اندازی نیروگاه اتمی بوشهر و ورود ایران به کلپ اتمی، کاهش خطر حمله نظامی به ایران و حفظ کارت استراتژیک چرخه مستقل سوخت به عنوان اجزای فرایند هسته ای شدن کشور، همگی دست ایران را در مذاکرات آتی بالا می برند.